

تأثیر هستی‌شناسی گنوبی در روان‌گسیختگی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی

* مهدی هدایتی شهیدانی^۱، امیررهام شجاعی^۲

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۲ فروردین ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱ آبان ۱۴۰۳
تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده

رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک موجودیت استثنایی در خاورمیانه، از رویکردها و راهبردهای خاصی در سیاست خارجی خود استفاده کرده است. راهبردهایی مانند افزایش عمق استراتژیک، گسترش دامنه جنگ‌ها و رویکرد ایجاد جنگ در جنگ، بی‌توجهی به هنجارها و حقوق بین‌المللی و انسانی در سیاست‌های خارجی و نظامی، انباشت تسلیحات اتمی، جنگ پیش‌دستانه و... از جمله مواردی هستند که بیانگر استثنائاتی در سیاست خارجی اسرائیل، متعاقب استثنایی بودن موجودیت آن هستند. در این مقاله، ریشه‌های رفتارهای تهاجمی و استثنایی اسرائیل را در روان‌شناسی اجتماعی صهیونیست‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی جست‌وجوی کنیم. بر همین اساس، پرسش اصلی این پژوهش به این شرح است که خصوصیات روان‌شناختی یهودیان و شیوه زیست گنوبی آن‌ها در جوامع میزبان و در نهایت زندگی صهیونیست‌ها در گنوبی بزرگی به نام اسرائیل چه تأثیری در افعال جنون‌آمیز سیاست خارجی اسرائیل داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش با واکاوی چپستی گنوبی و تأثیر آن در روان جمعی یهودیان با بهره‌گیری از مفاهیم روان‌شناسی جمعی و مفاهیمی مانند سایه در روان‌شناسی یونگ، این فرضیه را مطرح می‌کنیم که سبک زندگی گنوبی یکی از عوامل مهمی است که موجب بروز افعال خاص و تهاجمی در سیاست خارجی این رژیم شده است. یافته‌های پژوهش نیز به این شرح است که زندگی گنوبی و خصوصیات روان‌شناختی خاص یهودیان، سبب پرورش یک هیولای سیاسی در روان جمعی توده‌های آنان شده که در مرحله اول موجب تولد صهیونیسم و تشکیل اسرائیل شده و در وهله بعدی منجر به اتخاذ سیاست‌های خارجی خاص و جنون‌آمیز دولت‌های مختلف حاکم در اسرائیل شده است. شیوه پژوهش تبیینی-تحلیلی بایک رویکرد میان‌رشته‌ای است.

کلیدواژه‌ها:

رژیم صهیونیستی،
گنوبی، سیاست خارجی،
استثنائاتی، روان‌شناسی
اجتماعی.

* نویسنده مسئول:

دکتر مهدی هدایتی شهیدانی
نشانی: دانشکده ادبیات و علوم
انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
پست الکترونیک:
mehdi.hedayati88@gmail.com

استناد به این مقاله:

هدایتی شهیدانی، مهدی و شجاعی، امیررهام. (۱۴۰۳). تأثیر هستی‌شناسی گنوبی بر روان‌گسیختگی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳۰۹-۳۰۶، ۲۸۵.

۱. مقدمه

تحلیل سیاست خارجی کشورها امری پیچیده و مستلزم واکاوی عوامل تودرتو و چندلایه است. برای نمونه یکی از پیچیدگی‌های مضاعف تحلیل سیاست خارجی مجموعه‌ای همچون اسرائیل این است که اصول اصلی سیاست خارجی این رژیم در دوران پیش از تشکیل دولت جعلی اسرائیل و تحت تأثیر زیسته یهودیان پدیدار شد. (Rubin, 2022) رژیم صهیونیستی یک مجموعه معمولی نیست، بلکه سرزمین تضادها، نقشه‌ها و تنش‌هاست. (Cohen-almagor and others, 2024:1) تحلیل سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک موجودیت استثنایی در نظام آنارشیک بین‌المللی و مجموعه امنیتی پیچیده خاورمیانه و شاخ آفریقا، مستلزم تجزیه و تحلیل عواملی است که متناسب با خصوصیات استثنایی این رژیم رشد و نمو یافته است. از جمله این عوامل مهم، خصوصیات روان‌شناختی صهیونیست‌ها و بررسی انگیزه‌ها و محرک‌های روانی است که دولت‌های یهودی حاکم بر سرزمین‌های اشغالی، به‌صورت برون‌دادهایی عموماً مختل‌کننده، سیستم منطقه‌ای را دچار بی‌ثباتی می‌کنند. خصوصیات استثنایی رژیم صهیونیستی را می‌توان در احساس «خود استثناپنداری»^۱ یهودیان، که یک انگاره هویت‌ساز در طول تاریخ یهودیت بوده است، جست‌وجو کرد. «خود استثناپنداری» به‌عنوان یک مفهوم کانونی در فلسفه یهودی، در اثر زیست منحصر به فرد یهودیان در طول تاریخ، خصوصاً زندگی گتویی آنان در جوامع گوناگون مدام در حال بازتولید بوده است.

اگر با یک نگرش سازه‌نگارانه مبتنی بر قوام‌بخشی متقابل ساختار-کارگزار، مروری بر زندگی یهودیان در طول تاریخ داشته باشیم، احتمال اول در خصوص دلایل هویت مبتنی بر خود متمایزپنداری یهودیان، به بازتولید نوع رفتار خاصی بازمی‌گردد که در جوامع مسکونی‌شان با آنها می‌شد. همچنین سرخوردگی‌هایی که در برخورد با بابلیان، آشوری‌ها، رومی‌ها، لهستانی‌ها، ایتالیایی‌ها و درنهایت آلمانی‌ها به رهبری نازی‌ها، متوجه آنان بوده است، نوعی قوام و تثبیت هویتی مبتنی بر بازتولید خود استثناپنداری و متعاقب آن، تولید انگاره‌های ستیزه‌جویانه را موجب شده است. خود استثناپنداری یک انگاره قطعی و بدون بحث در هویت یهودی از سوی آنان مطرح است که در متون دینی آن‌ها از جمله عهد عتیق و تورات و تلمود به‌وضوح توضیحاتی در این مورد بیان شده است. خود استثناپنداری

1. Self-exceptionalism

به خودی خود متضمن غیر ستیزی (ستیز با دیگران) است و این نیز یک موضوع بدیهی به نظر می‌رسد، اما اینکه دامنه این غیر ستیزی تا چه اندازه باشد و چه فعالی از آن منتج شود، تحت تأثیر زیسته «خود استثناپندان» است. خود استثناپنداری افزون بر احساس ذاتی متمایز بودن، احساس آسیب‌پذیری استثنایی را نیز دربر می‌گیرد. این ترکیب ممکن است گاهی برای منافع یک ملت مفید باشد، اما ممکن است به عامل منفی نیز تبدیل شود. این ادعا که امنیت ملی اسرائیل استثنایی است، در بین اسرائیلی‌ها رواج پیدا کرده و از نظر کشورهای دیگر هم کم و بیش پذیرفته شده است. تصویر استثنائگرایی امنیت ملی اسرائیل شبیه به بحث جک شنایدر در افسانه‌های امپراتوری‌هاست. استدلال شنایدر این است که امپراتوری‌ها تمایل باطنی تهاجمی دشمنان را بیش از حد تخمین می‌زنند و در عین حال آنان را مانند بیر کاغذی توصیف می‌کنند، این افسانه‌سازی امپراتوری‌ها را، که گسترش‌طلبی را لازم و ممکن معرفی می‌کنند، گروه‌ها و نهادهایی که در پی منافع کوتاه‌مدت‌اند، به وجود می‌آورند و تقویت می‌کنند؛ دولت اسرائیل تا حدودی ترکیبی از ترس بیش‌ازحد و اعتماد به نفسی که شنایدر توصیف کرده، نشان داده است. (Lotfian, 2016: 185)

خصوصیات روان‌شناختی یک اجتماع از افراد، تحت تأثیر عوامل گوناگونی است که در این مقاله بر سه عامل انگاره‌های هویت‌ساز، چگونگی موازنه میان نیروهای متحد یا متفرق‌کننده و همچنین زیسته تأکید می‌شود. ریشه انگاره‌های هویت‌ساز را در منابع دینی و مذهبی یهود، موازنه میان نیروهای متحد یا متفرق‌کننده در تحلیل شکاف‌های میان یهودیان و زیسته آن‌ها را در قالب سبک زندگی گتویی یهودیان جست‌وجو خواهیم کرد. سیاست خارجی رژیم صهیونیستی خصوصاً متعاقب عملیات طوفان الاقصی، جلوه خاصی از جنون منتج از خصوصیات روان‌شناختی و هویتی صهیونیست‌ها بوده است و شدت این افعال جنون‌آمیز به‌گونه‌ای بوده که گاهی آمریکا، متحد سنتی این رژیم، نیز مواضعی انتقادی در برابر آن اتخاذ کرده است (در این رابطه می‌توان به وتو نکردن قطعنامه ضداسرائیلی شورای امنیت از سوی آمریکا اشاره کرد). حمله به کنسولگری ایران در دمشق، حمله به آشپزخانه سازمان ملل، حمله به بیمارستان شفا و... همه و همه نمونه‌هایی از تجلی علنی جنون در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی هستند. بر همین اساس، پرسش اصلی این پژوهش این است که خصوصیات روان‌شناختی یهودیان و شیوه زیست گتویی آن‌ها در جوامع میزبان و در نهایت زندگی صهیونیست‌ها در گتو بزرگی به نام اسرائیل، چه تأثیری در افعال جنون‌آمیز سیاست خارجی رژیم صهیونیستی پس از عملیات

طوفان الاقصی داشته است؟ شیوه انجام پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی و نظری با بهره‌گیری از یک رویکرد میان‌رشته‌ای است که تلاش می‌شود از نظریات و مفاهیم روان‌شناسی و خصوصاً روان‌شناسی اجتماعی^۲ در تحلیل سیاست خارجی استفاده شود.

۲. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های مختلف به مسئله هویت یهودی و سیر تکوین و تأثیرات آن در عملکرد بازیگری همچون اسرائیل پرداخته شده است. فقیه‌زاده‌گرچی و اسلامی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «هویت یهود و تکوین موجودیت سیاسی اسرائیل» بر این موضوع تأکید کرده‌اند که اسطوره‌های هویت‌ساز دینی و نژادی در طی تاریخ، در برسازای اسرائیل دخیل بوده و رفتار اسرائیل را شکل داده‌اند. تأکید این مقاله بیشتر بر مسائل انتزاعی و تمرکز آن بیشتر بر سیاست داخلی است.

پوستین‌چی و بای (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌های کنش هستی‌شناسانه سیاست امنیتی اسرائیل در منازعات منطقه‌ای» زیربنا و مبنای تفکر امنیتی اسرائیل را مفهوم دولت‌پادگانی در نظر دارد که در پی مقابله دائمی با تهدیدات است. در پژوهش مذکور به نقش سایر عوامل هویت‌ساز نیز در شکل‌گیری تفکر امنیتی در اسرائیل پرداخته شده، اما به‌صورت نظام‌مند به نقش عوامل روان‌شناختی و زیسته خاص یهودیان و مواردی مانند تروماهای جمعی اشاره‌ای نشده است.

متقی و ثابت (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی» با تأکید بر اینکه هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی تابعی از همه مولفه‌هایی است که منطبق آن در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میان گتوهای صهیونیستی نضج گرفت؛ بر آموزه‌های شریعت یهود و تجلی آن‌ها در نهادهای اسرائیل تأکید دارند.

واکسمان دو^۳ در مقاله‌ای با عنوان «بین انزوا و ادغام: سیاست خارجی و هویت ملی اسرائیل»^۴، بر اهمیت هویت ملی رژیم صهیونیستی، که محصول فرایندهای داخلی و بین‌المللی است، بر شکل‌گیری سیاست خارجی این رژیم تأکید دارد. وی با انتقاد از تبیین سیاست خارجی اسرائیل

2. Social psychology

3. Waxman Dof

4. Between Isolation and Integration: Foreign Policy and Israeli National Identity

با تکیه بر مواردی از جمله شکاف‌های داخلی و احزاب و ... هویت ملی را در تحلیل خود برجسته می‌کند. رویکرد وی در این تبیین، یک رویکرد سازه‌انگارانه است و هویت ملی رژیم صهیونیستی را بر ساخته تعاملات داخلی و خارجی در نظر دارد.

علی‌رغم ارزشمندی آثار مذکور و سایر اثراتی که در این حوزه وجود دارند، نوآوری این پژوهش از چند جهت مورد تأکید است؛ اول اینکه این پژوهش از مبانی نظری روان‌شناسانه بهره جسته و نگاه متفاوتی از این دریچه به تکوین هویت یهودی- صهیونیستی دارد، دوم اینکه سعی شده توالی هویت یهودی- صهیونیستی در افعال جنون‌آمیز سیاست خارجی اسرائیل ردگیری شود و سوم اینکه به لحاظ زمانی نگاهی اجمالی به آثار رویکرد مذکور در تهاجمات این رژیم به منطقه غزه در طول بحران پاییز سال ۲۰۲۳ و مشخصاً پس از عملیات طوفان الاقصی دارد.

۳. ادبیات مفهومی پژوهش

در این قسمت از پژوهش، با بیان برخی از گزاره‌ها و مفاهیم روان‌شناسی با تأکید بر آموزه‌های روان‌شناسی جمعی سعی می‌شود ارتباط میان موضوع پژوهش و مفاهیم نظری بیان شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که در اینجا از نظریه مشخصی مانند ناخودآگاه جمعی یونگ استفاده نمی‌شود، بلکه از گزاره‌ها و برخی استدلال‌های موجود در این حوزه بهره برده خواهد شد.

کارل گوستاو یونگ^۵، بنیان‌گذار روان‌شناسی تحلیلی^۶، بر این باور بود که دلیل پیچیدگی روان افراد این است که اجزای تعیین‌کننده‌ای دارد که هرکدام از آنها در عین حال که سازگار منحصربه‌فردی دارند، به یکدیگر مرتبط هستند. مثلاً قلمرو ناخودآگاه ما تنها در انحصار موارد سرکوب‌شده و غرایز ابتدایی ما نیست و کهن‌الگوها^۷ را نیز شامل می‌شود. پس برای بررسی عملکرد ناخودآگاه باید علاوه بر تأثیر غرایز و امیال به کهن‌الگوها نیز پرداخت. یکی از مهم‌ترین کهن‌الگوهای مطرح‌شده کهن‌الگوی سایه^۸ است. سایه درحقیقت همان قسمت تاریک شخصیت ماست. سایه تمام خصوصیات اخلاقی، باورها و تمایلاتی را شامل می‌شود که انسان به هر دلیلی آن‌ها را منفور، غیراخلاقی، دوست‌نداشتی، برخلاف تمدن و قوانین محیطی شناخته و به ناخودآگاه تبعید شده‌اند. از آنجا که ما به شکل عادی و خودخواسته به ناخودآگاه

5. Carl Gustav Jung

6. Analytical psychology

7. Archetypes

8. shadow archetype

دسترسی نداریم، این بخش مهم از شخصیت خود را نمی‌شناسیم. به زبان ساده‌تر، چیزی که در حال حاضر هستیم دقیقاً آن چیزی نیست که می‌توانستیم باشیم و سایه یکی از علل اصلی این مسئله است. همچنین سایه هم جنبه شخصی و فردی دارد و هم جنبه جمعی و گروهی. (Perry, 2015) سایه در روان‌شناسی یونگ به معنای تمامی بخش‌هایی از ذهن ناخودآگاه ماست که تمایلات و گرایش‌ها سرکوب‌شده را در بر می‌گیرد. به باور یونگ، سایه گذرگاهی تنگ و درباریکی است که هرکسی وارد ژرفای چاه تاریک وجود شود، نمی‌تواند از فشار آن برحذر بماند. (Jung, 2014: 31)

در روان‌شناسی تحلیلی یونگ دو نوع متمایز از فرایند روان‌شناختی را می‌توان مشخص کرد؛ اول آن‌هایی که از فرد و شخص نشئت می‌گیرند، به‌عنوان انفرادی توصیف می‌شوند و متعلق به یک روان ذهنی هستند و دوم آن‌هایی که از جمع ناشی می‌شوند و با ساختار یک روان عینی مرتبط هستند که فراشخصی^۹ نامیده می‌شوند و کهن‌الگویی هستند.

آن چیزی که یونگ آن را «ناخودآگاه جمعی»^{۱۰} می‌نامد، نه فرد کسب می‌کند و نه حاصل تجربه شخصی اوست، بلکه فطری و همگانی و دارای محتویات و رفتارهایی است که زمینه روانی مشترکی را تشکیل می‌دهد و هویتی فوق‌فردی دارد. (Jung, 1990: 14) ناخودآگاه جمعی در نظر یونگ، به‌صورت فردی توسعه پیدا نمی‌کند، بلکه به ارث می‌رسد. (Jung, 2014: 56) خودآگاه در نظر یونگ ماهیتی مقطعی و منقطع دارد، در صورتی که ناخودآگاه علی‌رغم ناشناخته بودن حالتی مداوم و پایدار دارد و در ذات خود مشابهت‌ها را تداوم می‌بخشد. (Jung, 2010: 79,80)

اگر گروه قابل‌توجهی از افراد با هم یکی و به‌دلیل داشتن قالب فکری مشابه با یکدیگر همانند شوند، تجربه دگرگونی شخصی در سطح پایین‌تری از آگاهی قرار می‌گیرد، چون وقتی عده‌ای گرد هم می‌آیند تا در حس مشترکی شریک شوند، روانی که از کل گروه حاصل می‌شود، در سطح پایین‌تری از روان یک انسان قرار دارد. (Jung, 2014: 151)

یونگ بر این عقیده بود که یک تجانس معنا دار میان کیفیت هر جامعه و دولت از یک سو و شرایط ذهنی افراد آن از سوی دیگر وجود دارد. اگر اکنون در سراسر جهان با سردرگمی و بی‌نظمی روبه‌رو هستیم، به نظر یونگ این وضع بازتاب شرایط مشابهی است که در ذهن فرد وجود دارد. یونگ

9. Transpersonal

10. Collective Unconscious

توالی منطقی مباحث نظری خود از جمله «ناخودآگاه جمعی» و «سایه» را در حوزه سیاست دنبال می‌کند و نیز قائل به نوعی سایه جمعی در ضمیر ناخودآگاه جمعی یک ملت یا ملل است که این امر موضوعی به نام تأثیر ناخودآگاه جمعی بر سیاست را ضروری می‌سازد. این بدان معناست که در روان هر فرد تمایلات شر و فسادانگیزی وجود دارد که منتهی به پرورش هیولایی سیاسی در خارج شده یا بدان یاری می‌رساند. غالباً انسان‌ها از این تمایلات غافل‌اند یا آن را بیش از اندازه بی‌ارزش و مهارشدنی می‌دانند، ولی در واقع اوست که در درون خود سایه و دشمن خطرناکی را پروراند که به دسیسه‌های شرارت‌بار هیولای سیاسی، پنهانی یاری می‌رساند.

روان‌گسیختگی ناشی از تروما نیز یکی دیگر از مواردی است که در این بخش مورد تأکید قرار می‌گیرد. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که چنانچه روان‌گسیختگی ناشی از تروما باشد، موجد سازکارهای مقابله، به‌عنوان تلاشی ناخودآگاه برای رویارویی و تحمل سانحه است. (Roggenendorf and Rief, 2006) درحقیقت این تصور وجود دارد که داشتن افکار، عقاید و افعال عجیب می‌تواند یک پاسخ برای تحمل استرس ناشی از تروما باشد. (Koenig, 2007) روان‌گسیختگی ناشی از تروما همچنین می‌تواند موجب سوءادراکات از محیط پیرامونی شود، به‌گونه‌ای که برداشت‌های تهدیدآمیز غیرواقعی از محیط اطراف به‌طور غلوآمیزی برجسته می‌شود. (Greena and Philips, 2004: 337) در تبیین اشکال مختلف خشونت سیاسی این‌گونه استدلال می‌شود که انتخاب خشونت سیاسی جمعی به‌جای آنکه متضمن آرامش محاسبه‌شده در یک بستر عقلانی باشد؛ به‌شدت تحت تأثیر احساسات و عواطف است و با الگوهای فرهنگی آموخته‌شده می‌تواند تشدید یا تعدیل شود. (T Just and Sidanius, 2017) از آنجا که خشونت سیاست خارجی یکی از افعال همیشگی رژیم اسرائیل است، واکاوی الگوهای فرهنگی صهیونیستی و زیسته یهودیان به فهم چرایی این رفتارها کمک خواهند کرد. به‌نظر می‌رسد با بهره‌گیری از چنین گزاره‌هایی و با آسیب‌شناسی روانی صهیونیست‌ها بهتر بتوان جایگاه مرکزی جنگ، خشونت و غیرستیزی را در افعال رژیم صهیونیستی شناسایی کرد.

۳-۱. هستی‌شناسی گتو^{۱۱} و زیست گتویی

براساس برخی از نقل‌های تاریخی، در سال ۱۵۳۶ به دستور پاپ، یهودیان مجبور شدند در محله بسته‌ای در شهر وینز زندگی کنند که در کنار یک ریخته‌گری بزرگ چدن (چدن در زبان

11. Ghetto

ایتالیایی ghetto نامیده می‌شود که در گویش عامی ghè to تلفظ می‌شود) قرار داشت، به این دلیل، این محله را گتو می‌نامیدند. از گتوها تعاریف و مفاهیم بسیاری ذکر شده است. در یکی از این تعاریف، گتو به منطقه یا محله‌ای از شهر گفته می‌شود که در آن، اقلیت‌های مذهبی، قومی و زبانی در نتیجه فشارهای اجتماعی- اقتصادی و قانونی به صورت جدا از سایر گروه‌های شهری زندگی می‌کنند. در این تعریف، گتو بیانگر زندگی و محدودیت یک اقلیت در میان یک اکثریت بزرگ شهری و نتیجه جدایی‌گزینی اکولوژیکی است که از روی اجبار و در جهت دوری از تجاوزات و مزاحمت‌ها در بخشی از شهر تشکیل می‌شود و جدایی مذهبی، نژادی و فقر را از سایر بخش‌های شهری نشان می‌دهد. (Shakoui, 2013: 63)

بر این اساس، سابقه گتونشینی از منظر تاریخی به مقاطعی اطلاق می‌شود که در آن دوران گروه‌های نژادی و مذهبی به ویژه اسیران در محلات ویژه‌ای در شهرها جای می‌گرفتند تا با مردم شهر تماس کمتری داشته باشند. «در سال ۱۱۷۹ میلادی، شورای کلیسا زندگی مسیحیان را میان یهودیان غدغن کرد. شورای کلیسا معتقد بود که ایمان مسیحیان در نتیجه تماس با یهودیان تضعیف می‌شود. در سال ۱۵۵۵، کلیسا دستور داد که یهودیان در بخش‌های جداگانه‌ای در شهرها زندگی کنند. بعد از این دستور بلافاصله گتورم تشکیل شد و به فاصله کوتاهی، گتوهای یهودی‌نشین سراسر ایتالیا را پوشاند. یهودیان از همه نقاط شهری جمع‌آوری می‌شدند و در گتو مخصوص به خود جای می‌گرفتند. در داخل گتوهای یهودی‌نشین، که دیوارهای بلند آن را احاطه می‌کرد، یهودیان برای خود کنیسه، مدرسه، دادگاه، پزشک، داروخانه، مغازه، تفریحات و مؤسسات خیریه به وجود آوردند». جدایی‌گزینی اکولوژیکی یهودیان سبب شد که این قوم قرن‌ها نتواند با جامعه اروپایی احساس همبستگی داشته باشد. اگرچه بعد از انقلاب فرانسه محدودیت‌ها شکسته شد؛ در اغلب کشورهای اروپای شرقی این محدودیت‌ها تا اواخر قرن نوزدهم ادامه داشت. برخی معتقدند که نازی‌ها در همه کشورهای که تصرف کرده بودند برای تشکیل مجدد گتوها تلاش می‌کردند. از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که «گتوها سابقه طولانی دارند، اما گتونشینی به سبک جدید، از محلات یهودی‌نشین شهرهای قرون وسطی تا گتوهای نژادی، گتوهای مذهبی، گتوهای فقر در زمان ما ادامه داشته است که در آنها پیروان مذاهب، نژادهای گوناگون و طبقات بسیار کم‌درآمد از روی اجبار به یک جدایی‌گزینی زیست‌بومی در داخل جامعه شهری تن در داده‌اند». (Shakoui, 2013: 64) سبک زندگی گتویی موجب افزایش شکاف بین یهودی- غیریهودی و همچنین تثبیت الگوهای هویتی آن‌ها از

طریق فرایندهایی مانند شرطی سازی شده است. (Wacquant, 2004:5)

با توجه به ورود جمعیت عظیم به مناطق کوچک تر، چندین خانواده مجبور بودند هر خانه را میان خود به اشتراک بگذارند. برای مثال، در گتو ورشو در هنگام حمله نازی ها به لهستان به طور متوسط کمی بیش از هفت نفر در یک اتاق مشترک ساکن بودند، این ازدحام بیش از حد، همراه با نبود آب جاری تمیز و شبکه های فاضلاب مناسب، منجر به وضعیت بهداشتی نامناسب و شیوع بیماری های مسری شد. (Theholocaustexplained.org) چایم کاپلان^{۱۲}، یکی از ساکنین گتو ورشو، در دفتر خاطرات خود نوشته است: «[در ورشو] ما وارد زندگی جدیدی شده ایم و نمی توان وحشتی را که در محله یهودیان پدید آمده است تصور کرد. ناگهان می بینیم که از هر طرف درگیر شده ایم. ما از جهان جدا و به نوعی از جامعه بشری رانده شده ایم.» (Kaplan, 1999)

در کتاب «تاریخ قوم یهود»، نوشته ژیلبرت و لیبی کلاپرمن، زندگی گتویی یهودیان بدین شکل توصیف شده است: «گتوها همیشه پرجمعیت بودند، زیرا اولیای شهر اجازه نمی دادند گتو توسعه یابد. سطح گتو یک شهر به موازات زیاد شدن افراد یهودی آن شهر توسعه نمی یافت. هنگامی که زوج های جوان با یکدیگر ازدواج می کردند و کودکانی متولد می شدند، لازم بود که فضای بیشتری برای زندگی آن ها فراهم شود، ولی گتو محصور بود و دیوارهای آن جابه جا نمی شد. وسعت گتو کم بود و نمی توانستند آن را زیاد کنند. یهودیان مجبور بودند یک اتاق را بالای اتاق دیگر بسازند تا بدین طریق بتوانند جمعیت اضافی را مسکن دهند. آن ها زیرزمین هایی در گتوها می کردند و در آن برای جا دادن افراد، اتاق های کوچک زیرزمینی می ساختند. از این جهت در داخل گتو حتی یک محوطه کوچک هم خالی و آزاد نبود. کوچه های گتو باریک، پرجمعیت و تاریک بود. چون جمعیت گتو زیاد و مساحت آن کم بود، مجبور بودند کوچه ها را کم عرض بسازند. به علت بلندی ساختمان ها، کوچه ها تاریک بود. پشت ساختمان ها یا در میان آن ها باغچه ای وجود نداشت. در میان همین کوچه های پرپیچ و خم و تاریک یهودیان می کوشیدند که ایام خود را بگذرانند در حالت کلی، زندگی در گتو باعث می شد یهودیان مجبور شوند برای خود یک حکومت داخلی تشکیل دهند. آن ها گرد هم می آمدند و درباره مسائل مشترک از قبیل پرداخت مالیات ها یا روابطشان با حکمرانان شهر و اولیای کلیسا و غیره

12. Chaim Aron Kaplan

بحث می‌کردند. برای اینکه در این اقدامات موفق باشند، از بین خودشان سرپرست‌ها و رهبران و مشاورانی انتخاب می‌کردند. می‌توان گفت که آن‌ها برای خود حکومتی در داخل حکومت محلی داشتند». (Clapperman, 1969)

سبک زندگی گتویی یهودیان در مناطقی همچون کشورهای اروپایی، نوعی تثبیت هویت یهودی و همچنین پیوستگی قومی را برای آن‌ها به همراه داشته است. چون آن‌ها در جامعه‌ای محدود با سنت‌های مذهبی خود زندگی می‌کردند، هویت مشترک آن‌ها در روان ناخودآگاه‌شان فشرده‌تر می‌شد. آن‌ها ابتدا خود را یهودی و بعد تبعه کشوری که در آن زندگی می‌کردند، عنوان می‌کردند. زندگی در گتوها نوعی احساس همبستگی قومی ناشی از هم‌نشینی دائم را بین یهودیان به وجود آورد و این هم‌نشینی در کنار تجربه‌های مشترک‌شان، موجب بازتولید هویت جدید و منحصر به فرد یهودی می‌شد که بعدها با اشغال جغرافیای سرزمین فلسطین، به «صهیونیسم» مشهور شدند.

۲-۳. ترومای جمعی: اساس حافظه اجتماعی یهودیان

ترومای جمعی اصطلاحی است که به زخم‌های عاطفی و روانی عمیقی اطلاق می‌شود که گروه‌ها یا جوامع در نتیجه رویدادها یا شرایطی که روی بخش مهمی از اعضای آن‌ها تأثیر می‌گذارد، تجربه می‌کنند. رنج جمعی ناشی از رویدادهای آسیب‌زای مشترک مانند جنگ‌ها، نسل‌کشی‌ها، درگیری‌های مسلحانه، بلایای طبیعی، سرکوب سیستمی و حتی بیماری‌های همه‌گیر است. (Malamud, 2023) ترومای جمعی به‌طور سیستماتیک روندی را ترسیم می‌کند که با یک آسیب جمعی شروع می‌شود، به یک خاطره جمعی تبدیل و به سیستمی از معنا ختم می‌شود که به گروه‌ها اجازه می‌دهد تا دوباره تعریف کنند که چه کسی هستند و به کجا می‌روند. برای قربانیان، خاطره تروما ممکن است برای بقای گروهی سازگار باشد، اما تهدید وجودی را افزایش می‌دهد که باعث جست‌وجوی معنا و ساختن یک خود جمعی بین‌نسلی می‌شود. (Hirschberger, 2018)

آشوری‌ها در سال ۷۲۲ قبل از میلاد، به یهودیان تاختند و عده کثیری از آنان را به اسیری بردند. پس از گذشت یک قرن، در سال ۵۸۷ قبل از میلاد، بخت نصر به اورشلیم حمله کرد، مردم یهود را کشت و عده‌ای را به اسارت به بابل فرستاد. در سال ۷۰ میلادی، شهر قدس برای دومین بار به دست رومیان ویران شد؛ این رخداد یهودیان را در جهان پراکنده کرد (Sami, 2018).

7:2017). این‌ها تنها نمونه‌هایی از تروماهای جمعی یهودیان بوده‌اند.

یهودیان با انحصار دین و نیز پابندی به ازدواج یهودی، به‌صورت قومی کوچک مؤثر در جهان درآمده‌اند. آنان سخت به مقررات دینی پایبندند، اکثراً اصول‌گرا و متصلب‌اند و هویت یهودی برای آنان یک اصل کلی است و حتی اگر اندیشه‌های لیبرالی داشته باشند، باز بر هویت یهودی خود تأکید می‌کنند. (Sami, 2017: 8) چنین هویت جمعی یکپارچه و بسته‌ای باعث تشدید نقش عوامل تأثیرگذار بر روان و خلیقات جمعی می‌شود. این استدلال خودساخته که تاریخ طولانی یهود با آسیب‌های مشترک بسیاری همراه است و هر نسل جدیدی، زخم‌ها را به دوش خواهد کشید، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری حافظه جمعی یهودیان بوده که به تناسب رخداد‌های گوناگونی مانند جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و جنگ سی‌وسه روزه و وقایع هفت اکتبر ۲۰۲۳ و ... مدام بازتولید شده است. جامعه یهودی در اسرائیل، از طریق تقویت حافظه جمعی خود، به‌ویژه پس از هولوکاست تلاش کرده فرهنگ خود را حفظ کند، هویت یهودی اعضای خود را تقویت کند و این حس قاطع را به دست آورد که روایت آن دوباره ادامه دارد (Rosenman & Handelsman, 1990: 70) در قرون گذشته نیز وقایعی مانند اسارت بابلی، حمله آشوری‌ها، ویرانی معبد توسط رومی‌ها و ... به‌عنوان تروماهایی در ذهن جمعی یهودیان حضور داشته و موجب ایجاد هم‌کیش‌مداری میان آن‌ها شده است. تروماهای جمعی هرچند به‌صورت کلی در ذهن یهودیان وجود داشته‌اند، اما این برخی نهادهای اجتماعی بوده‌اند که آن‌ها را به عوامل هویت‌ساز و معنابخش مبدل کرده‌اند.

نهادهای اجتماعی مذکور، تا پیش از شکل‌گیری بازیگری به نام اسرائیل در ۱۹۴۸ میلادی، عبارت بودند از کنیسه‌ها و کاهنان و بزرگان یهودیت. در این بین، بزرگان یهودیت از یک نقش کانونی در فرایند تبدیل تروماهای جمعی به هویت اجتماعی برخوردار بودند. حزقیال، نحیمیا، یحیی، ارمیا و بسیاری دیگر از جمله اشخاصی بوده‌اند که به حفظ انسجام جمعی یهودیان در طول تاریخ کمک شایانی کرده‌اند. استخراج معنا از تروما و تبدیل تروما به هویت جمعی، پس از شکل‌گیری جنبش صهیونیسم در اواخر قرن ۱۹ و سپس در خلال جنگ‌های جهانی اول و دوم و با برجسته‌سازی انگاره‌هایی مانند «یهودستیزی»، «هولوکاست»، «آشویتس» و ... زمینه‌های شکل‌گیری دولت یهود در سرزمین فلسطین را فراهم کرد. پس از شکل‌گیری اسرائیل در ۱۹۴۸، بستر کافی برای به‌وجود آمدن نهادهای گوناگونی که همچنان از این تروماهای جمعی برای تثبیت هویت مشترک استفاده می‌کنند، فراهم شد. ذکر این نکته

نیز ضروری است که تروما خود موجد برخی از اختلالات روانی از جمله پارانویا، اضطراب مزمن، روان‌گسیختگی و ... است که هر یک از این موارد نیز در شکل‌گیری و تقویت سایه و افعال شرارت‌بار غیرعقلانی اثرگذار هستند.

۳-۳. موعودگرایی در جامعه یهودی و نقش آن در شکل‌گیری سایه در ناخودآگاه یهودیان

یکی از برجسته‌ترین آموزه‌های یهود، موعودگرایی است که اهمیت آن به واسطه گذر زمان و با عنایت به موضوعاتی همچون «آوارگی و پراکندگی یهودیان» در سراسر جهان افزایش یافت. موعودگرایی در یهودیت با مفاهیمی کلیدی از قبیل «ماشیح»، «سرزمین مقدس»، «قوم برگزیده»، «امید»، «انتظار»، «دیاسپورا یا تبعید یهودیان»، «تحمل دردها و رنج‌ها و مصیبت‌های دوران آوارگی»، «رهایی»، «نجات» و «رستگاری» عجین شده است. یهودیان به‌طور سنتی بر این باور بودند که آوارگی و پراکندگی آنها در جهان، عقوبتی از جانب یهوه (خداوند) است و باید تا ظهور ماشیح (منجی یهودیان) این دردها و رنج‌ها را تحمل کنند. (Godarzi and others, 2022: 113) صهیونیست‌های راست‌گرا، که از سال ۱۹۷۷ میلادی به قدرت رسیدند، دارای شش ستون ایدئولوژیک هستند که عبارت‌اند از: ۱- تاکید بر قدرت ملت به‌عنوان معیار سنجش همه چیز و بالاتر از سایر ارزش‌ها مانند صلح و سازش با سایر گروه‌های ملی، عدالت اجتماعی یا جامعه برابری طلبانه؛ ۲- جهان خارج و غیریهودی نه‌تنها نیروهای خصم قوم یهود محسوب می‌شوند، بلکه به‌طور فعال برای نابودی اسرائیل و قوم یهود تلاش می‌کنند؛ ۳- تاکید آشکار بر «قدرت»: راست‌گرایان بیش از هر اردوگاه سیاسی دیگری در اسرائیل، یک رویکرد نظامی به روابط بین‌الملل دارند؛ ۴- هیولاسازی همه مخالفان اسرائیل به‌ویژه فلسطینی‌ها و سایر اعراب: راست‌گرایان غالباً با استفاده از منابع تاریخی مانند «هولوکاست» و تابوهای کتاب مقدس مانند «عمالیق»، غیریهودیان را انسان نمی‌دانند؛ ۵- توسعه‌طلبی ارضی: به‌دنبال برپایی سرزمین از نهر تا بحر هستند و ۶- معرفی یهودیان مخالف داخلی به‌عنوان «دشمن مردم»، خائنان به وطن و هواداران دشمن. (Peleg, 2000: 142-143) نکته بسیار مهم در رابطه با تأثیر موعودگرایی در روان جمعی یهودیان به‌خصوص صهیونیست‌ها این است که موعودگرایی به‌عنوان یک اعتقاد درونی موجب افزایش تحمل‌پذیری یهودیان در برابر رنج‌های ناشی از گتونشینی و دیاسپورا شده است و

این موضوع نیز موجب افزایش انرژی‌های روانی سرکوب‌شده و قدرتمند شدن غیرعادی سایه (قسمت تاریک وجود) در جامعه صهیونیستی شده است. هر اندازه که سرکوب تمایلات روانی بیشتر باشد، انرژی‌های آزادنشده روانی در لایه‌های تاریک وجود رخنه می‌کنند و یک هیولای بالقوه را در میان افراد به وجود می‌آورند.

سایه در روان‌شناسی تحلیلی از نظر یونگ بخش‌ها، اضلاع و ویژگی‌هایی از انسان است که از آن‌ها آگاه نیست و با آرمان نفس منافات دارد. تمایلات ناخودآگاه جمعی با شکل خودآگاه زندگی ناسازگار هستند بنابراین نمی‌توانند در ایگو^{۱۳} ادغام شوند. پرننگی سایه و قدرتمندی آن به واسطه زیسته‌ها و آموزه‌های یهودیان، زمینه‌ساز تولید صهیونیسم و ایجاد گتو بزرگی به رهبری دولت یهود در سرزمین‌های اشغالی بوده است.

۳-۴. ساده‌سازی الگوی سیاست خارجی اسرائیل

هویت، به خصوص هویت ملی، نقش مهم و کلیدی در شکل‌دهی به سیاست خارجی اسرائیل ایفا می‌کند، به خصوص برای اسرائیل که از سال ۱۹۴۸ به‌عنوان موجودیت جعلی سیاسی و نوپا شکل گرفته، تعریف هویت به‌عنوان یک خود در برابر دیگری از اهمیت بالایی برخوردار است، به‌ویژه آنکه مهم‌ترین مولفه‌های شکل‌دهنده به هویت و فرهنگ این رژیم را قوم برگزیده بودن، ناامنی دائمی، اجتناب‌ناپذیری جنگ، توسعه‌طلبی ارضی، اتکای به خود، حمله پیشگیرانه و... تشکیل داده است که موجبات سیاست خارجی تهاجمی اسرائیل را مهیا می‌کند. (Khorram Shad and Sohrobi, 2019: 5)

علی‌رغم شکاف‌های گوناگونی که در جامعه اسرائیل وجود دارد، با توجه به اینکه یک روح امنیتی-سیاسی کل این جامعه و نهادهای اجتماعی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هیچ‌کدام از شکاف‌های موجود در جامعه اسرائیل، خصوصاً شکاف بین صلح‌گرایان و ملی‌گرایان افراطی، همچنان در صورت وجود تهدیدات امنیتی خارجی و ملموس، منجر به بحران اجتماعی حادی نخواهند شد، زیرا در جامعه اسرائیل مادامی که تصور تهدیدات فعال خارجی وجود داشته باشد، روح سیاسی-امنیتی حاکم بر جامعه اسرائیل، نوعی یکدستی را در جامعه تحت عنوان افکار عمومی یکپارچه به وجود می‌آورد که می‌تواند یکی از مبانی سیاست خارجی تهاجمی اسرائیل نیز باشد.

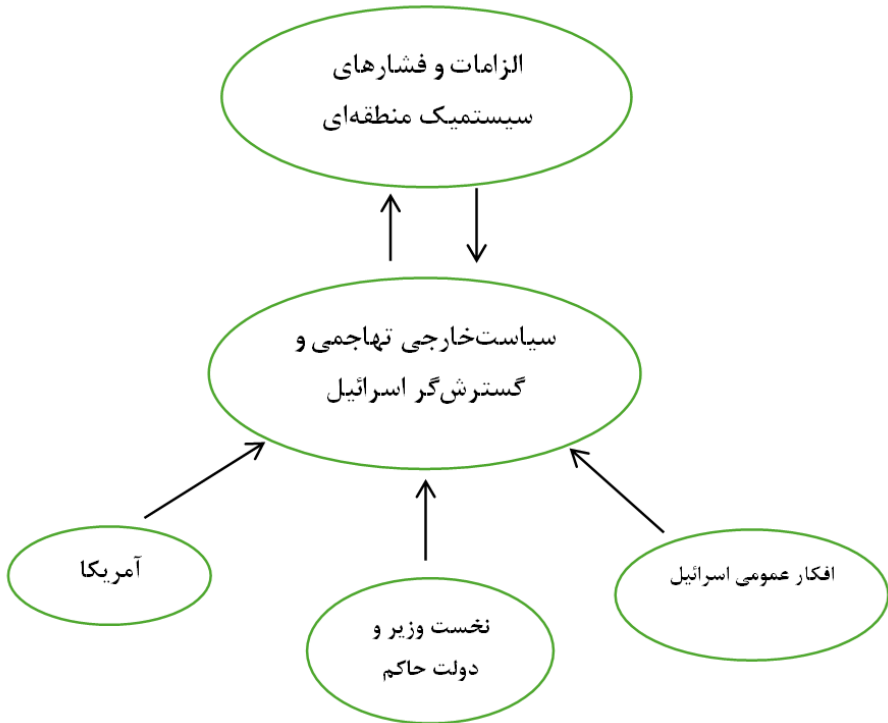
۱۳. Ego: بخشی از روان انسان که در مرکز فعالیت‌های خودآگاه قرار دارد (از نظر یونگ)

روایت غالب در نزد اندیشکده‌ها و نهادهای امنیتی اسرائیل در مورد سیاست خارجی این رژیم، یک روایت چهار جزئی به شرح زیر است: ۱- اسرائیل خود را در یک محیط محلی متخصص به‌عنوان «ویلا در جنگل»^{۱۴} می‌بیند، ۲- در سطح جهانی اسرائیل دنیایی را می‌بیند که در آن قدرت و زور غالب است و به موجب آن امنیت تنها از طریق اتکای به خود و فراقنی نیرو تضمین می‌شود، ۳- اسرائیل خود را دارای گزینه‌های کمی در سیاست خارجی می‌داند بنابراین به دنبال آن است که دوستان و متحدانی را، هر جا که خودشان را نشان دهند، برای خود پیدا کند (Peters, 2014) و ۴- اسرائیل به دنبال این است که مشروعیت و روابط عادی خود را با بسیاری از کشورها گسترش دهد، اما در این مسیر، استثناگرایی اسرائیل یک مانع اساسی است بنابراین اولویت اول این رژیم به حداکثر رساندن موازنه در هر دو سطح داخلی و خارجی است.

در راستای مطالب فوق، اسرائیل دکترین امنیتی- نظامی خاصی مبتنی بر بازدارندگی هسته‌ای، دفاع موشکی، برتری کیفی نظامی در منطقه و موازنه استراتژیک و رویکرد تهاجمی در دفاع با قدرت بازدارندگی هسته‌ای را در پیش گرفته است و سیاست خارجی خود را براساس آن‌ها شکل داده است. در همین راستا و در جهت ایجاد حاشیه‌ای امن برای خود، علی‌رغم اینکه ائتلاف‌های منطقه‌ای یک ابزار کاربردی برای اهداف اسرائیل است، اما ماهیت شکننده، سیال و پیچیده ائتلاف‌ها در خاورمیانه موجب شده موازنه در ادبیات امنیتی- نظامی با تأکید بر ابعاد داخلی آن عملیاتی شود. تنازعات در اشکال مختلف آن موجی از ناامنی و تهدید را برای اسرائیل رقم زده است و با قدرت گرفتن محور مقاومت از جانب لبنان، سوریه و عراق بقا و موجودیت اسرائیل با تردید همراه شده است (Byman, 2011: 22) و همین موارد موجب بازتولید انگاره‌های امنیتی هویت‌ساز در جامعه و سیاست خارجی اسرائیل شده است.

در این پژوهش، یک الگوی شماتیک منطقی برای فهم تئوریک سیاست خارجی اسرائیل به شرح ذیل ارائه می‌شود که می‌توان آن را نوعی الگوی رئالیستی نئوکلاسیک نیز در نظر گرفت. در این الگو نشان داده می‌شود که چگونه نقش عوامل روان‌شناختی مذکور در فهم سیاست خارجی اسرائیل پررنگ هستند.

14. A Villa in the Jungle



با توجه به اینکه موضع سوبژگی یهود مبتنی بر بازنمایی دیگران به عنوان یک غیر غیرقابل ادغام در خود است، اصولاً برداشت پیش فرض ذهن یهودی از غیریهودیان، یک برداشت تهدیدآمیز است، به گونه‌ای که تجلی این تصورات تهدیدآمیز از دگرهای غیریهودی را می‌توان در سیاست‌های تهاجمی و نژادپرستانه این رژیم مشاهده کرد. نوع نگاهی که کشورها (کارگزاران سیاست خارجی) به یکدیگر دارند، مبتنی بر برداشت‌های تهدیدآمیز و حافظه تاریخی آن‌ها از یکدیگر است. بدین صورت هر چقدر برداشت‌ها تهدیدآمیزتر باشد، امکان اتخاذ سیاست‌های تهاجمی‌تر بیشتر می‌شود بنابراین در الگوی فوق، سیاست خارجی اسرائیل ماهیتاً گسترش‌گرا و تهاجمی در نظر گرفته شده و عواملی مانند آمریکا، نخست‌وزیر و دولت حاکم، افکار عمومی و الزامات و فشارهای سیستمیک منطقه‌ای روی آن تأثیرگذار هستند و می‌توانند تعدیل‌کننده یا تشدیدکننده سیاست خارجی تهاجمی اسرائیل باشند.

افکار عمومی در اسرائیل تا حد زیادی از نظر درک تهدیدات خارجی اسرائیل با سیاستمداران هم‌نظر هستند و این امر را با توجه به ماهیت نژادی جامعه اسرائیل می‌توان به‌صورت حمایت قابل توجه مردم اسرائیل از سیاست‌های خارجی تهاجمی این رژیم تفسیر کرد. هر چند گاهی نیز شکاف‌هایی در جامعه اسرائیل درباره مسائل گوناگون وجود دارد. در همین راستا، نقش رسانه‌ها نیز در اسرائیل در امنیتی‌سازی مسائل گوناگون و شکل‌دهی به افکار عمومی قابل توجه است. میدان نیروهای روانی شکل‌دهنده به سیاست خارجی کشورها، متأثر از برآیند میدان افکار عمومی در مسائل خارجی و همچنین متأثر از مورد دوم یعنی میدان روانی ناشی از نوع نگاه بازیگران به یکدیگر است. بدین‌صورت هر چقدر فضای روانی جامعه به‌لحاظ درک تهدیدات و مسائل خارجی، هم‌سوتر با کارگزاران اصلی سیاست خارجی باشد، اتخاذ تصمیمات و بسیج منابع برای اجرای طرح‌های سیاست خارجی در چنین فضای روانی نسبتاً هماهنگی آسان‌تر خواهد شد. با توجه به ساختار متمرکز دولت در اسرائیل، بررسی عوامل روان‌شناختی تأثیرگذار در سیاست خارجی اسرائیل، در چهارچوب روان‌شناسی یهودی و هستی‌شناسی گتویی قابل فهم است، به‌گونه‌ای که نوع نگاه امنیتی حاکم بر اذهان کارگزاران اصلی سیاست خارجی اسرائیل به‌خصوص نخست‌وزیران آن می‌تواند اتخاذ رویکردهای تهاجمی را در یک قالب معنایی به‌خوبی تبیین کند. در رابطه با تأثیر آمریکا در سیاست خارجی اسرائیل باید به مواردی از جمله جایگاه اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا، نقش لابی‌هایی مانند آیک در سیاست خارجی آمریکا، سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و ... توجه کرد. در حالت کلی اما ایالات متحده آمریکا متحد استراتژیک اسرائیل و در بدترین شرایط، تعدیل‌کننده جزئی سیاست‌های خارجی تهاجمی اسرائیل است. الزامات و فشارهای سیستمیک منطقه‌ای نیز به‌واسطه مواردی از جمله معمای امنیت در خاورمیانه، دشمنی عمیق با کشورهایمانند ایران و سوریه، نگاه تردیدآمیز کشورهای عربی به اسرائیل و ... عموماً تشدیدکننده سیاست خارجی تهاجمی اسرائیل بوده‌اند و البته از سیاست خارجی اسرائیل نیز تأثیر پذیرفته‌اند، زیرا یکی از عوامل شکل‌دهنده به سیستم امنیتی منطقه، رویکردهایی است که اسرائیل اتخاذ کرده و به‌طورکلی، سایر کشورهای منطقه اقدامات اسرائیل را همواره با دقت رصد می‌کنند.

۳-۵. رویکرد اسرائیل در جنگ غزه متعاقب وقایع ۷ اکتبر ۲۰۲۳؛ باز تولید عناصر دگرستیزانه و هویت‌ساز

در این قسمت از پژوهش به جنایات و افعال جنون‌آمیز اسرائیل در طول جنگ علیه غزه

از اکتبر ۲۰۲۳ و رابطه آن با نوع نگاه و استفاده صهیونیست‌ها و حامیان آن‌ها از وقایع ۷ اکتبر اشاره می‌شود. زمان حاضر را می‌توان عصر اشباع اطلاعات در نظر گرفت. ارتباطات جهانی به‌واسطه پیشرفت‌های فناوریانه به‌قدری گسترده شده که تصاویر و اخبار رخداد‌های گوناگونی که در جهان به‌وقوع می‌پیوندند، در کسری از ثانیه در سرتاسر جهان دست‌به‌دست می‌شوند. در همین راستا، بدون شک جنایات و اقدامات ضدبشری اسرائیل در جنگ جاری غزه به‌قدری برای جهانیان روشن شده که احتیاجی به ذکر آمار و ارقام و منابع نباشد، اما در یک اشاره کلی باید گفت که پس از گذشت ۶ ماه از جنگ اسرائیل علیه مردم غزه، بیش از ۳۰ هزار غیرنظامی کشته شده و تا اواسط فوریه، وزارت بهداشت غزه از کشته شدن بیش از ۲۸ هزار فلسطینی در جنگ ناشی از تجاوزات اسرائیل خبر داده است. (R.Posen, 2024) بمباران بی‌رویه بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد، کلیساها، آمبولانس‌ها و اردوگاه‌های آوارگان، کوچ اجباری و آوارگی بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار فلسطینی و ... تنها قسمتی از جنایت‌های اسرائیل در فردای ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون بوده است. خشونت‌های اسرائیل در این جنگ به اندازه‌ای زیاد بوده که انتقادات بسیاری از کشورهای غربی و غیرغربی را در پی داشته است. اخراج سفیر اسرائیل در برزیل، گشودن پرونده‌های متعدد علیه جنایات این رژیم در مجامع بین‌المللی، تنش با ترکیه، آفریقای جنوبی، کشورهای عربی، روسیه و ... همگی بیانگر اقدامات ضدانسانی و جنون‌آمیز این رژیم در جریان بحران جاری غزه هستند. شدت و دامنه اقدامات ضدبشری اسرائیل به‌گونه‌ای بوده که حتی بسیاری از حامیان اسرائیل، با نقد خشونت‌های بیش از اندازه و اقدامات ضدانسانی، به این رژیم هشدار داده‌اند که واکنش تهاجمی اسرائیل و سطوح بالای تلفات غیرنظامیان، روش‌های حماس را در منطقه اثبات کرده و مشروعیت بخشیده است. «خصوصاً در غزه، این بدان معناست که حماس یا هر گروه مقاومت دیگری خاک حاصل‌خیزی دارد که در آن رشد کند؛ یک عامل مهم درازمدت، زیرا تقریباً نیمی از جمعیت ۲/۲ میلیونی غزه زیر ۱۸ سال هستند. در خارج از غزه نیز این روایت باعث حمایت از ایران و دیگران می‌شود و این کار را برای کشورهای دوست اسرائیل در جهان عرب مانند مصر و امارات متحده عربی سخت‌تر می‌کند که علی‌رغم دشمنی آن‌ها با حماس، آشکارا با اسرائیل همکاری نزدیک داشته باشند» (Byman, 2023)

تحلیل سخنان آنتونی بلینکن^{۱۵}، وزیر امور خارجه آمریکا، که خود یک یهودی حامی

15. Antony John Blinken

صهیونیست است، نشان‌دهنده و تأییدکننده ترومای جمعی یهودیان، سایه و ... است. بلینکن در جریان سفر خود به تل‌آویو پس از عملیات طوفان الاقصی اظهار داشت: «روزهای سختی است، اما ما اینجا هستیم، همان‌طور که بوده‌ایم، همچنان که همیشه با اسرائیل اعلام همبستگی می‌کنیم. ما قویاً از این پیشنهاد دفاع می‌کنیم. اسرائیل نه تنها این حق را دارد، بلکه موظف است از خود دفاع کند و هر کاری که ممکن است انجام دهد تا مطمئن شود که هفتم اکتبر هرگز تکرار نخواهد شد». همچنین بلینکن در اظهارات خود در امان، پایتخت اردن، در ۴ نوامبر بیان کرد: «نظر ما این است که آتش‌بس در حال حاضر به‌سادگی حماس را در جای خود باقی می‌گذارد و می‌تواند دوباره سازمان‌دهی شود و آنچه را که در ۷ اکتبر انجام داد، تکرار کند». (Blinken, 2023) حتی در پیش‌نویس قطعنامه‌ای که ایالات متحده به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داد و در ۲۵ اکتبر وتو شد، آمده است: «حملات تروریستی حماس در ۷ اکتبر به‌شدت محکوم است و کشورها حق دارند از خود دفاع کنند». (Tarhan and others, 2023) در میان تحلیل‌های اندکی که در رابطه با وقایع پس از طوفان الاقصی در مجامع علمی غرب منتشر شده است؛ به‌شکل عجیبی ردپای تروماپردازی به‌چشم می‌خورد. در شرایطی که عمده نهادهای اطلاعاتی غرب از جمله سیا، بر فلسطینی بودن طوفان الاقصی تأکید دارند، این ادعا همچنان مطرح می‌شود که «حماس از کشورهایی مانند ایران و لبنان، تجهیزات اقتصادی و نظامی دریافت می‌کند، به همین دلیل، اسرائیل آسیب‌های فراوانی را متحمل می‌شود، در نتیجه اسرائیل با ظرفیت بیشتری تهاجمی شده است». (Chamolli, 2024: 780) این گفتارها به‌خوبی بیان‌کننده نیاز اسرائیل به محرک‌هایی است که با آن‌ها بتواند هویت صهیونیستی را بازتولید کند.

گفته شد که روان‌گسیختگی که ناشی از تروما باشد، موجد سازکارهای مقابله به‌عنوان تلاشی ناخودآگاه برای رویارویی و تحمل سانحه است. (Roggendorf and Rief, 2006) تجلی این امر را می‌توان در جنایت‌های بی‌محابای اسرائیل در بحران غزه جست‌وجو کرد. توانایی غلبه بر مشکلات کنش جمعی تا حدی به هویت اجتماعی بازیگران بستگی دارد (Wendt, 1994: 386)؛ تداوم هویت اجتماعی یهودیان و خصوصاً صهیونیست‌های ساکن اسرائیل، مستلزم تأکیدات مکرر بر تروما‌های جمعی و بزرگ‌نمایی و حتی جعل آن‌هاست، به‌گونه‌ای که اگر این‌گونه رخ داده‌ها نبود، هویت یهودی هم وجود نداشت. تأکید بر مقوله ۷ اکتبر و بازنمایی‌های چندین و چندباره آن از سوی صهیونیست‌ها به‌عنوان یک ترومای

جمعی، بیانگر دو موضوع مهم است؛ اول اینکه تا چه اندازه هویت صهیونیست‌ها و اسرائیل به تصاویر رنج‌های جمعی یهودیان و القای تشدیدشونده این‌گونه تصاویر به جامعه اسرائیل وابسته است و دوم اینکه چگونه عوامل روان‌شناختی برای توجیه اقدامات تهاجمی و جنون‌آمیز اسرائیل مورد بهره‌برداری صهیونیست‌ها و حامیان آن‌ها قرار می‌گیرند. بدون شک واقعه ۷ اکتبر قابل‌قیاس با جنایات متعدد و جنون‌آمیز اسرائیل نیست و بزرگ‌نمایی و تأکیدات کلامی صهیونیست‌ها روی آن، بیانگر این است که در پشت‌پرده این سخنان موارد دیگری به شرح آنچه در بالا گفته شد، نهفته است.

۴. نتیجه‌گیری

زندگی گتویی برای یهودیان همواره با تصویرسازی از ظلم و رنج جمعی آن‌ها همراه بوده است. این تصویرسازی جمعی موجب سرکوب تمایلات شر و فسادانگیز درونی ایشان و انباشت مستمر این تمایلات در ناخودآگاه جمعی آن‌ها شده است. مواردی مانند تروماهای جمعی و آموزه‌های دگرستیزانه و خود استثناپندارانه یهودیان نیز همگی از جمله عواملی هستند که در تقویت سایه در روان جمعی صهیونیست‌ها نقش اساسی و اثرگذار داشته‌اند. با بهره‌گیری از موارد گفته‌شده در این مقاله، باید تأکید کرد که گرایش به صهیونیسم در بین تمامی یهودیان ساکن اسرائیل، ناشی از تمایل درونی آن‌ها برای داشتن یک کشور مستقل و حکومت یهودی است، از این رو، دولت در اسرائیل چیزی جز تجلی تمایلات فرد فرد یهودیان ساکن اسرائیل نیست. زندگی گتویی با سرکوب هرگونه تمایلات استقلال‌طلبانه و خودمحوارانه موجب تولید یک روح جمعی عصیان‌گر در میان جامعه یهودیان شده که تجلی این روح عصیان‌گر را می‌توان حمایت متعدد بخشی از یهودیان جهان از جنبش صهیونیسم و حتی مهاجرت به سمت فلسطین در نظر گرفت. یعنی در واقع، صهیونیسم و تلاش برای تشکیل حکومت یهودی در فلسطین، فارغ از باورهای دینی و انگیزه‌های مادی و ... را می‌توان در قالب همان هیولای سیاسی تشکیل شده مورد نظر یونگ، در خارج و در ذهن بخشی از یهودیان بررسی کرد.

این تمایلات و انگیزه‌های شرط‌طلبانه و سرکوب‌شده انباشته‌شده در طول زمان، صرفاً با تشکیل یک حکومت و جامعه یهودی در فلسطین تعدیل نشده و سیمای واقعی آن را باید در سیاست‌های خارجی رژیم جعلی اسرائیل مشاهده کرد. رژیم اسرائیل از ابتدای به وجود آمدن در سال ۱۹۴۸، دائماً درگیر جنگ و گسترش طلبی بوده، به‌گونه‌ای که در طول حیات

کوتاه خود جنگ‌های زیادی را از سر گذرانده است. در شرح اقدامات مخرب و ضدبشری این رژیم، مطالب و مدارک فراوانی وجود دارد، اما آنچه مهم است، مبنای تهاجمی سیاست خارجی این رژیم است که ریشه‌های آن را می‌توان در روان‌شناسی یهودیان، حافظه جمعی آن‌ها، زیست‌گتویی و ... جست‌وجو کرد. دگرستیزی منتج از عوامل روان‌شناختی مذکور، مولد یک مبنای تهاجمی است که خود مولد راهبردهای امنیتی همچون انباشت تسلیحات اتمی، جنگ پیش‌دستانه، دکترین پیرامونی و ... است. در یک جمع‌بندی در این مورد باید گفت که سبک زندگی گتویی به خودی خود موجب پرورش یک هیولای سیاسی در روان جمعی توده‌های سرکوب‌شده می‌شود، حال در نظر بگیرید اگر اعتقادات چنین جماعتی، مبتنی بر خود برتری‌نوی و دگرستیزی مورد نظر یهود باشد، در کنار تأثیر سبک زندگی گتویی، چه هیولای سیاسی‌ای ساخته خواهد شد! و این هیولا دقیقاً همان دولت یهودی (گتو بزرگ) در اسرائیل است که ذاتاً رام‌نشدنی و همواره سلطه‌طلب و گسترش طلب است.

تصور وجود تهدیدات فعال خارجی نیز مسئله‌ای است که طبق استدلال این مقاله، ریشه در زیسته و روان‌شناسی جمعی یهودیان دارد. چه تهدیدی علیه رژیم صهیونیستی وجود داشته باشد چه نه، سایه همچنان یکی از عوامل مهمی است که سیاست‌های خارجی اسرائیل را تهاجمی و جنون‌آمیز نگه می‌دارد. هرچند با توجه به اینکه نسل جدید جوانان اسرائیلی مطابق با نظرسنجی‌های گوناگون انجام‌شده، کمتر حاضر به فداکاری‌های ملی در مواردی از جمله خدمت سربازی و عضویت در مناصب نظامی هستند، می‌توان نوعی بحران هویت ملی را برای این رژیم در سالیان آینده متصور شد. از منظر درک تهدیدات امنیتی خارجی، جامعه اسرائیل علی‌رغم شکاف‌های گوناگون، همسو با کارگزاران سیاست خارجی است. همچنین مطابق با نظرسنجی‌های گوناگون در رابطه با نوع نگاه اقشار مختلف مردم در اسرائیل نسبت به این تهدیدات، دولت از حمایت مردم برخوردار است، زیرا اکثریت مردم همچنان مطابق با هویت دینی-قومی خود، دگرستیزی و جنگ طلب هستند. هرگونه تغییری در نوع نگاه مردم نسبت به تهدیدات خارجی، به‌خصوص اگر در راستای ترجیح یک زندگی عادی به جای ماجراجویی‌های صهیونیستی و فداکاری برای سیاست‌های تهاجمی دولت باشد، می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین تهدید داخلی این رژیم که موجب مهاجرت معکوس است، تلقی شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که چنین روندی در سالیان اخیر در اسرائیل رو به رشد بوده است. به نظر می‌رسد اگر نسل‌های

جوان تر و جدیدتر اسرائیل به این نتیجه برسند که زندگی آرام در اروپا یا آمریکا برای آن‌ها بهتر از زندگی پراسترس در اسرائیل است و رهایی از قید و بندهای ایدئولوژیک را بر حفظ هویت قومی-دینی خود ترجیح دهند، عملاً چیزی از هویت صهیونیستی باقی نخواهد ماند. طبق الگوی نظری ارائه شده در این مقاله، به دلیل نقش پررنگ عوامل روان‌شناختی، سیاست خارجی اسرائیل ماهیتاً تهاجمی و گسترش‌گر بوده و سایر عواملی که روی آن تأثیر می‌گذارند تشدیدکننده یا تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده‌اند. در انتها باید گفت که می‌توانیم مطابق این الگوی نظری، سیاست خارجی اسرائیل را در موقعیت‌های گوناگون تبیین و تشریح کنیم. برای مثال رفتارهای تهاجمی و جنون‌آمیز رژیم اسرائیل در جریان جنگ غزه (۲۰۲۳ تاکنون) طبق این الگو بدین صورت تبیین می‌شود:

هر چهار عامل الزامات سیستمیک و موضع وضعی که اسرائیل به دلیل وقایع ۷ اکتبر با آن مواجه شد، راست‌های افراطی حاکم به رهبری نتانیاهاو، کمک‌های آمریکا به اسرائیل در این جنگ و افکار عمومی اسرائیل که تحت تأثیر تأکیدات رسانه‌ای و بازنمایی ۷ اکتبر به‌عنوان یک ترومای جمعی بوده‌اند، عواملی تلقی می‌شوند که در مجموع تشدیدکننده سیاست خارجی تهاجمی اسرائیل شده‌اند تا بدین‌صورت، مانعی در راستای جلوگیری از جنون و جنایت در رویکردها و افعال اسرائیل وجود نداشته است. اگر در جایی اثری از صلح موقت یا آتش‌بس در رویکردهای اسرائیل دیده شده (مانند پیمان کمپ دیوید) عموماً تحت فشار آمریکا، الزامات منطقه‌ای، افکار عمومی یا کابینه حاکم بر اسرائیل بوده است. در انتها باید گفت که شناسایی ماهیت رفتارهای دشمنان باید مورد توجه جدی نهادهای اطلاعاتی کشور باشد و تهدیدسنجی براساس ماهیت و هستی‌شناسی ابژه‌های گوناگون صورت بگیرد. سیاست خارجی ایران در برابر اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی نیز باید مبتنی بر آشکار کردن ماهیت تهاجمی این رژیم در رسانه‌ها و افکار عمومی از یک سو و از سوی دیگر در راستای محاصره این رژیم از طریق گسترش روابط منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، زیرا انزوای ایران همواره به سود این رژیم و سایر دشمنان کشور است.

References

- Antony J. Blinken (2023). Opposition to Israel's massacre in Gaza growing worldwide despite support by US, West , available at : <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/opposition-to-israels-massacre-in-gaza-growing-worldwide-despite-support-by-us-west/3060465>.
- Antony J.Blinken (2023) .Secretary Antony J. Blinken and Israeli President Isaac Herzog before Their Meeting, available at : <https://www.state.gov/secretary-antony-j-blinken-and-israeli-president-isaac-herzog-before-their-meeting-6/#:~:text=These%20are%20difficult%20days%2C%20but,7th%20can%20never%20happen%20again>
- Aron Kaplan, Chaim and Isaac Katsh, Abraham (1999). Scroll of Agony: The Warsaw Diary of Chaim A. Kaplan, Bloomington: Indiana University Press.
- Byman, Daniel (2011). Israel's Pessimistic View of the Arab Spring. Washington Quarterly, Summer.
- Byman, Daniel (2023). A Future Look Back at Israel's War on Hamas, available at: <https://foreignpolicy.com/2023/12/26/a-future-look-back-at-israels-war-on-hamas/>
- Chamolli, Amit (2024), Israel at War, International Journal of Science and Research (IJSR), Vol. 13, PP. 780-783.
- Clapperman, Gilbert and Libby (1969), History of the Jewish People, Utser Torah Cultural Association, Ganje Danesh of Iran. **[In Persian]**
- Cohen-armagor, Raphael; Dyduch, Juanna and Skorek, Artur (2024). Introduction to Special issue: Public policies in Israel, Israel Studies Forum: Vol. 38, No. 3, PP. 1-5.
- Godarzi, M; Monavari, A; Karimi, Gh. (2022). Examining the Role of Jewish Messianism in Israel's Hostile Foreign Policy towards the Islamic Republic of Iran, Quarterly of Political Strategic Studies, Vol. 11, No. 42, PP. 123-145. doi: 10.22054/QPSS.2022.66267.2993. **[In Persian]**

- Greena, M.J. and M.L. Phillips (2004). Social Threat Perception and the Evolution of Paranoia. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, Vol. 28, PP. 333-342.
- Hirschberger, Gilad (2018). Collective Trauma and the Social Construction of Meaning. *Frontiers in psychology*, Vol. 9, doi.org/10.3389/fpsyg.2018.01441.
- Jung, Carl Gustav (1990). four examples, translated by Parvin Faramarzi, Mashhad, Astan Qods Razavi Cultural Vice-Chancellor. **[In Persian]**
- Jung, Carl Gustav (2010). Man in search of his own identity, translated by Mahmoud Behfrozi, 4th edition, Tehran: Jami. **[In Persian]**
- Jung, Carl Gustav (2014). collective unconscious and archetype, translated by Farnaz Ganji and Mohammad Bagher Esmailpour, 4th edition, Tehran: Jami. **[In Persian]**
- Khorram Shad, Mohammad Baqer and Sohrabi, Abdullah (2019). Factors influencing the formation of Israel's foreign-security policy in the Middle East security complex, *Palestinian Strategic Discourse Quarterly*. **[In Persian]**
- Koenig, H.G. (2007). Religion, Spirituality and Psychotic Disorders. *Archives of Clinical Psychiatry (São Paulo)*, Vol. 34 (Suppl. 1), PP 95-104. available at: <https://www.spektrum.de/lexikon/psychologie/schatten/13403>.
- Lotfian, Saeeda (2016). Israel's strategic perspective and its security threat assessment for the Middle East, *Policy Quarterly, Journal of the School of Law and Political Science*, Vol. 47, No. 1, PP. 179-200. **[In Persian]**
- Malamud, Sara (2023). Our Collective Trauma and How We Heal, *Jewish Matchmaker Journal*: available at: https://www.linkedin.com/pulse/jewish-matchmaker-journal-our-collective-trauma-how-we-sara-malamud-kdvof?trk=article-ssr-frontend-pulse_more-articles_related-content-card.
- Peleg, Ilan, (2000). The Right in Israeli Politics: The Nationalist Ethos in the Jewish Democracy, In Robert O. Freedman (Ed.), *Israel's First Fifty Years*, University Press of Florida, PP. 141-161, USA.

- Perry, Christopher (2015). The Jungian Shadow, available at : <https://www.thesap.org.uk/articles-on-jungian-psychology-2/about-analysis-and-therapy/the-shadow/>.
- Peters, Joel (2014). Key Elements of Israel's Foreign Policy, Symposium Summary, Tel Aviv University, 25 March 2014, available at: <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/israel/11223.pdf>.
- R, Posen, Barry (2024). The Devastation of Gaza Was Inevitable, available at: <https://foreignpolicy.com/2024/02/14/gaza-war-israel-civilian-deaths-urban-warfare-hamas/>.
- Roggendorf, G. and K. Rief (2006). Schizophrenia-EinDenkausbruch Mit Folgen . Leck: Clausen & Bosse.
- Rosenman S, Handelsman I. (1990). The collective past, group psychology and personal narrative: shaping Jewish identity by memoirs of the Holocaust. Am J Psychoanal. Vol. 50, No. 2, PP. 151-70. doi:10.1007/BF01250911. PMID: 2221198.
- Sami, Mohammad Javad (2017). Jewish ghettos are the reason for accepting Christian pluralism, Naqshe Jahan Humanities Research (discontinued), Vol. 4, No. 11, PP. 1-14. **[In Persian]**
- Shakoui, Hossein (2013). social geography of cities, social ecology of the city, academic jihad, Imam Reza (a.s.) medical school. **[In Persian]**
- Tarhan, Muhammet; Sahinli Oguç, Ecem and Irem Tiryaki, Ayse (2023). Opposition to Israel's massacre in Gaza growing worldwide despite support by US, West, available at: <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/opposition-to-israels-massacre-in-gaza-growing-worldwide-despite-support-by-us-west/3060465>.
- T Just, John and Sidanius, Jim (2017). Political Psychology, translated by Jalali, Mohammad Reza and Saadi, Mohammad, Research Institute of Culture, Art and Communication, Tehran. **[In Persian]**

- Theholocaustexplained.org, The Ghettos, available at: <https://www.theholocaustexplained.org/the-camps/ghettos-an-overview/daily-life-in-the-ghettos>
- Wacquant, Loic (2004). Ghetto, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, PP. 1-7.
- Wendt, A. (1994). Collective Identity Formation and the International State, American Politics Science Review, Vol. 88.
- RUBIN, A. (2022). ISRAELI FOREIGN POLICY. OXFORD RESEARCH ENCYCLOPEDIA OF INTERNATIONALSTUDIES. RETRIEVED 18FEB.2024, FROM.<https://oxfordre.com/internationalstudies/view/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-655>.